

متنفذ اما سرسپرده

بازخوانی کارنامه و رویکرد سیاسی اسدالله علم در سالگرد درگذشت او



۲۵ فروردین سالروز درگذشت اسدالله علم، مرد متنفذ دربار پهلوی است؛ مردی که در خصوص نقش او و تأثیرات او بر تحولات سیاسی دهه چهل تا اواسط دهه پنجاه، نظرات گاه مبالغه‌آمیزی ارائه گردیده، تا جایی که بسیاری از تصمیمات کلان اتخاذ شده در دهه چهل و پنجاه را حاصل اراده و نفوذ زائدالوصف او بر تصمیمات شخص شاه دانسته‌اند.

اسدالله علم در سال ۱۲۹۸ در بیرجند و در خانواده‌ای متمول و اشرافی متولدشد، پدرش محمدابراهیم علم‌معروف‌به‌شوکت‌الملک، حاکم قاننات و از چهره‌های نزدیک به انگلیسی‌ها و رضاشاه بود که در سرکوب کلنل محمدتقی خان پسیان، رضاخان را بسیار یاری کرد و پس از آن در دولت‌های محمود جم، احمد متین‌دفتری و علی منصور به‌وزارت پست و تلگراف و تلفن رسید. نزدیکی شوکت‌الملک به رضاشاه تا حدی بود که رضاشاه دستور به ازدواج پسرش امیراسدالله با دختر قوام‌الملک شیرازی داد و از آنجایی که پسر قوام‌الملک هم همسر اشرف و داماد رضاشاه بود، این ازدواج منجر به نزدیکی هرچه بیشتر اسدالله علم با دربار پهلوی شد.

اسدالله که خود را غلام‌خانه‌زاد، چاکر جان‌نثار و نوکر علیحضرت خطاب می‌کرد، در طول دوران سلطنت محمدرضا، همواره از چهره‌های کلیدی دربار و در طول دوران طولانی وزارت دربارش، رابط امین محمدرضا با سفارت آمریکا و انگلیس و نخست‌وزیران و مجلس بود، اما او به‌رغم اصالت خانوادگی و کسوت و سابقه زیادی که در سیاست داشت، هیچگاه نتوانست حتی به یک رجل سیاسی میان‌مایه تبدیل شود، او را نه مطلقاً می‌توان در جرگه رجال سیاسی صاحب‌نظر مانند علی اکبر داور و نه در قامت سیاستمدارانی کمتر مطیع دربار و البته استخوان‌دار مانند فروغی و قوام‌السلطنه و نه در قامت چهره‌های خائن و مزدور وابسته به اجنبی اما نه مطیع و فرمانبردار بی‌فید و شرط شاه مانند سیدضیاءالدین طباطبایی و رزم‌آراء و فضل‌الله زاهدی و نه در قامت چهره‌هایی کم‌حاشیه و آلوده نشده به مفاسد دربار مانند ساعد و نه حتی در قامت رجال تکنوکرات و بوروکرات مورد حمایت آمریکا و مجری سیاست‌های آنان همچون علی امینی و حسنعلی منصور و...، بلکه اسدالله علم را باید در کنار دولتمردانی صدرصد وابسته به شاه مانند حسین علاء، منوچهر اقبال و امیرعباس هویدا قلمداد کرد که حتی از حیث شدت وابستگی و اطاعت محض، در مرتبه‌ای بالاتر از این سه‌قار داشت. او که پس از مرگ پدرش، اداره املاک وسیع پدری خود را عهده‌دار شد، در اواخر سال ۱۳۲۴ توسط احمد قوام‌السلطنه به سمت فرمانداری کل سیستان و بلوچستان منصوب شد و با خشونت و شدت عملی کهنظیر به کنترل آن منطقه پرداخت، تا جایی که داستان طناب‌پیچ کردن رئیس اداره دارایی آن ایالت توسط پیشخدمت‌هایش به دلیل سرپیچی از اوامر فرماندار، شهره شهر و زبانزد خاص و عام مردم آن منطقه شد. او که حسب چاپلوسی، محمدرضا را واجد خرد انبیا و در سیاست هم‌تراز ژنرال دوگل می‌دانست، پس از آن بنا به تحمیل محمدرضا، در دولت‌های دوگل می‌دانست، علی منصور و رزم‌آراء، عهده‌دار سمت‌های وزارت کشاورزی و کار شد. در دوران مصدق، ریاست املاک و مستغلات پهلوی را عهده‌دار بود که توسط او عزل و به بیرجند تبعید گردید. پس از کودتای ۲۸ مرداد و مصادف با نخست‌وزیری زاهدی، او مجدداً به ریاست املاک و مستغلات

پهلوی رسید و پس از زاهدی و در زمان صدارت حسین علاء، او عهده‌دار سمت حساس وزارت کشور شد تا به قلع و قمع تمامی گماشتگان زاهدی بپردازد و شرایط را برای برگزاری انتخابات مجلس فرمایشی مهیا کند. او که در دوران اقبال، شریف امامی و

امینی، رهبری حزب مردم، یکی از دو حزب سیاسی حاکم بر کشور را عهده‌دار بود، پس از علی امینی به نخست‌وزیری رسید تا اجیرترین مهره شاه به صدارت برسد؛ تا جایی که محمدرضا دوران واقعی سازندگی و پیشرفت کشور را نه از آغاز سلطنت پدر و تأسیس دودمان پهلوی و نه حتی شروع سلطنت خود، بلکه از ششم بهمن ۱۳۴۱ که موعد برگزاری رفراندوم انقلاب سفید بود می‌دانست. اگر منوچهر اقبال هنگام تشکیل کابینه‌اش گفته بود که: برنامه‌ای جز «اجرای اوامر ملوکانه» ندارد، علم، گوی سبقت مجبرگویی و سرسپردگی را از اقبال ربود و در نخستین جلسه کابینه به صراحت به وزیران منتخب شاه گفت: «ما آمده‌ایم تا سپر بلای اعلیحضرت شویم، خودمان را در راه باقی ماندن سلطنت قربانی کنیم؛» علم به محض آنکه به نخست‌وزیری رسید، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را که اقدامی در راستای سکولاریزاسیون جامعه و حکومت ایران بود به تصویب رساند، که در آن شرط مسلمان بودن منتخبان حذف و زنان نیز علاوه بر حق رای، واجد حق انتخاب شدن نیز می‌شدند که با واکنش شدید علما و روحانیون مواجه شد و منجر به صدور تلگراف‌های اعتراضی فراوانی از جانب علما و مراجع به نخست‌وزیر و حتی شخص شاه گردید تا جایی که دولت، تحت فشار شدید روحانیت، این لایحه را مسکوت و با صدور بیانیه و همچنین تلگرافی به مراجع، از اجرای آن خودداری و آن را لغو نمود. دیگر اقدام مهم اسدالله علم که به اراده آمریکا و با دستور و حمایت شدید محمدرضا انجام گردید، رفراندوم انقلاب سفید بود. شاه و علم که در جریان لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مجبور به عقب‌نشینی در برابر روحانیت گشته بودند، برای اجرا و عملیاتی کردن انقلاب سفید چاره‌ای جز برگزاری رفراندوم و رجوع به آراء مردم نداشتند، علماً رفراندوم را تحریم کردند، اما سرانجام یک رفراندوم غیر دموکراتیک در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۴۱ وزیر نظر مقامات امنیتی و انتظامی برگزار و اعلام شد که با رای اکثریت ۹۶/۵ درصد ملت به تصویب رسید، که منجر به واکنش شدید روحانیت گردید. البته ایده پرمناقشه و جنجال برانگیز اصلاحات ارضی انقلاب سفید، با وجود آنکه بنا به القای کندی رئیس جمهور آمریکا و با حمایت تمام‌قد شاه و توسط علم اجرا گردید، اما طراح و تئورسین آن حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی اسدالله علم بود، که قریب به ۲۰ سال پیش از آنان و در جریان مجلس پانزدهم که اکثریتش با ملاکان و زمینداران بود، اصرار به ضرورت تصویب و اجرای آن داشت که بنا به همین دلیل اعتبارنامه او توسط نمایندگان مجلس پانزدهم رد گردید، که البته دیری نپایید که علم، ارسنجانی را نیز به دلیل برخی اختلافات و برای تصاحب این ایده به نام خود و بخصوص شاه، از وزارت کشاورزی کنار زد و چندی بعد حتی تعبیر انقلاب سفید را هم که نخستین بار توسط امینی به کار رفته بود محو و به جای آن، تعبیر انقلاب شاه و مردم را جانشین آن کردند. البته خوش خدمتی‌های علم فقط منحصر به این دو مورد نبود. او در جریان اصلاحات ارضی تا توانست از بودجه دولت زمین‌های خاندان پهلوی را، پیش از آنکه قانون به اجرا درآید، خرید و جنگل‌های شاه در مازندران و گیلان را، پیش از آنکه قانون ملی کردن جنگل‌ها به اجرا درآید، به افراد و شرکت‌ها به‌عنوان مشارکت با بنیاد پهلوی واگذار کرد. او سفارت اسرائیل در تهران را افتتاح و خانه سابق قوام‌السلطنه را به سفارتخانه اسرائیل تبدیل کرد. اما آنچه بیش از اقداماتش، سبب اهمیت و تمایز علم در میان تمامی رجال عصر پهلوی، از منظر تاریخ‌پژوهان می‌گردد، نگارش و کارش را با یادداشت‌های روزانه اوست. او که در یادداشت‌هایش به مذمت و سعایت بسیاری از رجال عصر پهلوی همچون تقی‌زاده، علی امینی، حسنعلی منصور، هویدا و... می‌پردازد، ادعا می‌کند که محمدرضاشاه از نگارش یادداشت‌های او مطلع بوده، اما بسیار بعیدو حتی غیر ممکن به‌نظر می‌رسد که محمدرضا، مجوزی برای چاپ تمامی یادداشت‌های او داده باشد، چراکه یادداشت‌های او علاوه بر آنکه آئینه تمام‌نمای دربار پهلوی است، از بسیاری از اسرار پشت پرده و روابط و معادلات سیاسی، شیوه اتخاذ تصمیمات و القائات ابرقدرت‌ها، دخالت و اعمال نفوذهای بیگانگان در عزل و نصب نخست‌وزیران، دخالت همسر و خواهر شاه در انتصابات دولتی، مبادلات و مفاسد اقتصادی دربار، نگاه متوهمانه شخص شاه به خود، نگرانی‌ها و وحشت شاه از ابرقدرت‌ها و کسب تکلیف‌های مکرر از آنان، جایگاه نازل نخست‌وزیر، تفریحات، سرگرمی‌ها و گردش‌های شاه و خانواده‌اش، تشریفات شرم‌آور استقبال از برخی میهمان‌های خارجی و از همه ننگ‌آورتر و شرم‌آورتر، مفاسد اخلاقی و هوسبازی‌های زائدالوصف شخص محمدرضاشاه و سایر درباریان و شخص اسدالله علم پرده بر می‌دارد و سیمای فاسد دربار پهلوی را به تصویر می‌کشد.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

مواضع متفاوت نمایندگان یک روز پس از گفت‌وگوهای مسقط

حمله و دفاع از مذاکره‌کنندگان

گروه خبر: صبح روز گذشته برخی از نمایندگان تندرو مجلس به مذاکره تاختند و برخی دیگر مذاکرات را عزت‌مندانه قلمداد کردند.
دور اول مذاکرات ایران و آمریکا به صورت غیرمستقیم و در عمان انجام شد. با آنکه مسعود پزشکیان، رئیس جمهور به صراحت اعلام کرد که تمام مراحل و موضوعات مذاکرات با راهنمایی‌های رهبری انجام شده‌و رهبری مذاکره غیرمستقیم را باامانح دانسته، هنوز تندروها مصمم هستند، خلاف جهت منافع کشور و تصمیمات سطح اول کشور حرکت کنند.
حالاتندروها از زبان هر کسی ادعایی را مطرح می‌کنند تا بتوانند سنگ خود را محکم‌تر بکوبند. حامیان جلیلی هم سعی کردند از این قافله عقب نمانند و بر مذاکرات تاختند. آنها که پس از هر شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری، بهانه‌ای پیدا می‌کنند تا چوب لای چرخ دولت بگذارند، حالا مذاکرات را مستمسک قرار داده‌اند تا به دولت چهاردهم یورش بیاورند؛ در حالی که مذاکره ایران و آمریکا در چار چوب منافع ملی پیش می‌رود.

▼ تفسیر اظهار نظر رهبری در مجلس

تندروهای مجلس هم به هر دری زدند تا بتوانند مذاکرات را زیر سوال ببرند. **حمید رسایی، نماینده تهران** در تذکر خود با حمله به مذاکرات عمان و تفسیر و نیت‌خوانی اظهارنظرهای رهبری، گفت: «همه‌می‌دانیم نظر رهبری بر عدم اعتماد به آمریکاست. ایشان همواره فرموده‌اند با مذاکره، تحریم‌هایشتر و گره‌ها کورتر می‌شود. مذاکرات فعلی در قالب مذاکره غیرمستقیم و با اذن مقام معظم رهبری بوده تا مسئولان خوش‌بین، غیرمتعهد بدون آمریکایی‌ها را با چشم خود ببینند و درک کنند و مردم نیز بدانند راه حل مشکلات، مذاکره با شیطان نیست. ما از مذاکره‌کنندگان مشروط‌بر حرکت در چار چوب‌های تعیین‌شده‌مقام معظم رهبری، حمایت می‌کنیم، اما باید توجه‌شود امور کشور متوقف به مذاکره نشود و وزارتخانه‌ها منتظر مسقط نباشند. وزیر امور خار چه به وظیفه خود عمل می‌کند لذا سایر وزارتخانه‌ها نیز باید امور خود را انجام دهند و کسی کار خود را متوقف‌نکند.»



زیر سوال ببرند. **حمید رسایی، نماینده تهران** در تذکر خود با حمله به مذاکرات عمان و تفسیر و نیت‌خوانی اظهارنظرهای رهبری، گفت: «همه‌می‌دانیم نظر رهبری بر عدم اعتماد به آمریکاست. ایشان همواره فرموده‌اند با مذاکره، تحریم‌هایشتر و گره‌ها کورتر می‌شود. مذاکرات فعلی در قالب مذاکره غیرمستقیم و با اذن مقام معظم رهبری بوده تا مسئولان خوش‌بین، غیرمتعهد بدون آمریکایی‌ها را با چشم خود ببینند و درک کنند و مردم نیز بدانند راه حل مشکلات، مذاکره با شیطان نیست. ما از مذاکره‌کنندگان مشروط‌بر حرکت در چار چوب‌های تعیین‌شده‌مقام معظم رهبری، حمایت می‌کنیم، اما باید توجه‌شود امور کشور متوقف به مذاکره نشود و وزارتخانه‌ها منتظر مسقط نباشند. وزیر امور خار چه به وظیفه خود عمل می‌کند لذا سایر وزارتخانه‌ها نیز باید امور خود را انجام دهند و کسی کار خود را متوقف‌نکند.»

▼ ادعای عجیب یک نماینده

مهدی کوچک‌زاده، نماینده تهران نیز در مجلس به مخالفت با مذاکرات عمان پرداخته و با فریاد گفت: «ای ملت ایران، حواستان جمع باشد، ما در لحظاتی بسیار حساس و تاریخی قرار داریم. مراقب کسانی باشید که به‌نام خیرخواهی، به‌نام جلوگیری از جنگ و به‌نام آباد کردن دنیا، سال‌هاست که جز غارت اموال عمومی، جایی دادن فرزندان خود در پست‌های حساس، ساخت راه‌های اختصاصی برای ویلاهای‌شان و تلاش برای تصاحب هتل‌های بنیاد مستضعفان و دیگر اموال عمومی، کار دیگری نکرده‌اند. این افراد به‌نام دلسوزی برای شما، در واقع دنبال منافع شخصی خود هستند؛ دنبال این‌ها نروید. نمی‌گویم آنچه که در حال وقوع است نباید انجام شود، شاید ناچار باشیم، اما مهم‌تر از هر چیز این است که دوست را از دشمن تشخیص دهید. بدانید مجلس از روند مذاکرات جاری هیچ اطلاعی ندارد؛ کسانی که امروز برای تأیید این موضوع بیانیه‌داده‌اند بدانند مجلس هیچ خبری از مذاکرات ندارد و حتی حسن قشقائوی نماینده مردم رباط کریم و بهارستان به عنوان یکی از اعضای کمیته هسته‌ای به‌من گفت که هیچ خبری ندارم. مای اطلاع هستیم، اما حالا که قرار است با تلخی کامل این کار انجام‌شود ما مخالفتی نمی‌کنیم.»

او در حالی ادعا می‌کند که مجلس از مذاکرات در عمان هیچ اطلاعی ندارد که تمام دنیا اخبار این مذاکره را دنبال می‌کنند. از سوی دیگر نمایندگان مجلس تافته جدابافته‌ای هستند که نمی‌توانند این واقعه مهم را پیگیری کنند؟ حتماً دولت و نهادهای برای آنها جلسه گذاشته و به آنها گزارش دهند؟



واکنش به ورود ۳۰ تریلی به میانکاله و شروع پروژه پتروشیمی

پاسخ پر ابهام خانم رئیس

گروه خبر: قرار بود پناهگاهی باشد برای حیات وحش، جایی برای آرامش. میانکاله به‌عنوان «منطقه محافطت‌شده» معرفی شد اما سال‌های اخیر میانکاله جایی برای تنش محیط‌زستی تبدیل شده است. در حالی که گفته‌می‌شود تنها ۵۱/۳ درصد از سطح آبی تالاب میانکاله پُر آب مانده و خشکی این تالاب را تهدید می‌کند، پروژه ساخت پتروشیمی نیز گلوله میانکاله را می‌فشارد و به جان آن افتاده است. اما سازمان حفاظت محیط‌زیست موضوع روشن و دقیقی در این باره نگرفته است.
پروژه‌ای که طرح آن به قبل از انقلاب اسلامی بر می‌گردد. طرح این پروژه پیش از انقلاب مطرح بود اما پس از مشخص شدن مخاطراتش به دست فراموشی سپرده شد تا پس از انقلاب و دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی، در اواخر دولت دوازدهم بار دیگر این پروژه مطرح و مصوب و ابتدای دولت ابراهیم رئیسی شروع به کار کرد. اما فعالان محیط‌زیست، برخی از هنرمندان و دغدغه‌مندان ناپودی ایران، با تجمع در منطقه میانکاله اجازه احداث این پروژه را ندادند. پروژه پتروشیمی میانکاله آسیب‌های فراوانی به پناهگاه حیات وحش خواهد رساند. سوم تیر سال گذشته (۱۴۰۳) از فنس کشی این منطقه شروع شد. برخی از کاربران فضای مجازی معتقد بودند که پروژه پتروشیمی یک بهانه است و قرار است در این منطقه بکر شهرک یا ویلاسازی شود. اما این موضوع بعید به نظر می‌رسید. در هر صورت باز هم پای همان پروژه پتروشیمی در میان است و نگرانی از آسیب‌های زیست محیطی آن که میانکاله را تهدید می‌کند. میانکاله‌ای که نیمی از آن خشک شده است. البته برخی از کاربران فضای مجازی این خشک شدن میانکاله را هم به نوعی مربوط به پروژه پتروشیمی و عمدی می‌دانستند اما در اینکه خشکسالی گریبان کل



محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس اس‌ا در واکنش به فریادهای کوچک‌زاده گفت: «جناب‌عالی به‌عنوان مخالف قرار بود صحبت کنید اما آیین‌نامه را رعایت نکردید و این خلاف آیین‌نامه بود. خیلی روشنی می‌گویم شما از طرف مجلس نمی‌توانید سخن بگویید و بگویید مجلس در جریان نبوده است. مجلس حتماً در جریان بوده است و هیچ اقدامی خارج از مسیر قانونی صورت نمی‌گیرد و اظهارات شما صحیح نبود.»

▼ قشقائوی ادعای کوچک‌زاده را تکذیب کرد

حسن قشقائوی، رئیس کمیته هسته‌ای کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز با تأیید سخنان رئیس مجلس ورد ادعای کوچک‌زاده تأکید کرد: «توضیحات رئیس مجلس در این خصوص کافی بود اما لازم است توضیحات بیشتری ارائه شود. کمیته هسته‌ای مجلس متشکل از بنده، آقایان نبویان و خضریان موافق روند مذاکرات هستیم. قطعاً بعید است کمیسیون امنیت ملی و مجلس چه در حال حاضر و چه در آینده به تیم مذاکره‌کننده در خواست ارائه توضیحات دهد و آنها از این کار خودداری کنند.» او بار دیگر به اظهارات نماینده تهران که گفته بود کمیته هسته‌ای مجلس در جریان روند مذاکرات نیست، افزود: «آنچه آقای کوچک‌زاده در باره بی اطلاعی ما از مذاکرات گفت مربوط به زمانی بود که هنوز مذاکره شروع نشده بود که من به او گفتم در جریان آن نیستم.» رئیس کمیته هسته‌ای کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: «نمایندگان به جنگ روانی رسانه‌ها که از روز شنبه‌ار افتاده توجه کنند، مخالفان صهیونیستی کشور مان را ببینید که با انواع حيله‌ها قصد دارند بگویند در ایران اختلاف‌نظر وجود دارد و این در حالی است که ما تابع رهبری هستیم و تصمیمات ایشان فصل‌الخطاب است.»

▼ اجبار به رهبری؟

جواب آن است که **کامران غضنفری، نماینده تهران** در مصاحبه‌ای درباره پذیرفتن مذاکره از سوی رهبری گفت: «تجربه نشان داده هر بار با آمریکا توافق کردیم، آمریکا پس از عمل به تعهدات توسط ما زیر تمام قول و قرارهایشان می‌زنند. دلیل موافقت رهبری هم این است که اگر موافقت نکند اینها در جامعه و فضای مجازی و رسانه‌ای مانند این چندوقت به شدت تبلیغات می‌کنند که پس از مذاکره با آمریکا به شدت مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور حل می‌شود فقط یکی مخالف است آن هم رهبری است. وگرنه ما پای میز مذاکره می‌رویم و تمام مشکلات را حل می‌کنیم.»

قشقائوی اما در مجلس نگاه دیگری به قبول مذاکره توسط رهبری داشته و با بیان اینکه ما باید تابع رهبری باشیم، گفت: «آیا شاینت رهبری فرانسه این است که کسی بخواهد یا بتواند ایشان را اجبار کند؟ ایشان دلسوزترین است و با توجه به نظرات کارشناسی درباره مذاکره عنایت فرموده‌اند. معتقدیم برادران ما در تیم مذاکره خوب عمل کرده‌اند و امروز دنیا نیز اذعان دارد این تیم حرفه‌ای است. چنانچه پیش از این نیز اینگونه بوده است. البته اقدامات تیم مذاکره‌کننده نیاز به مراقبت و رعایت ملاحظات دارد که طبیعی است اما به صورت کلی در این حوزه اجماع ملی وجود دارد.»

سیدمحمود نبویان، نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هم در مصاحبه‌ای تلویزیونی به صراحت اعلام کرد که سران قوا و دیگران مذاکره ایران و آمریکا را به رهبری تحمیل نکرده‌اند: «در هر حالتی باید امنیت ایران را تأمین کنیم و کشور را از جنگ عبور دهیم.



گزارش دو



نابیدبپذیرند که حتی درباره آن گفت‌وگو کنند. حالا ایراد این نماینده این است که چرا سلام و علیک کرده‌اید؟ بجای اینکه بگویید حالا که دارید صحبت می‌کنید پس مستقیم حرف بزنید! یک لحظه تصور چنین نقدی موجب استهزاء مجموعه دشمنان توافقی خواهد شد.
آن دیگری یاد عقلا نیت افتاده و با ادبیاتی مدرن توصیه می‌کند که عقلا نیت اقتضا می‌کند به «پلن B»! فکر کنیم و هشدار جدی داده که: افق توافقی با ترامپ روشن نیست کشور را معطل نکنید. بدترین آنان که رهبر فکری و اخلاقی تندروها است متن بسیار وقیحانه‌ای را منتشر کرده و بعد مدعی جعلی بودن آن اگانت شده‌اند. این مجموعه شبهه‌شپ‌تنواست بخوابد چون درد و رنج آنان ناشی از آرامش و رضایت خاطر مردم است و به میزانی که مردم راضی بودند آنان به عدایی الیم دچار شده بودند. آنان بیش از همیشه تنها هستند و تحقیر شده‌اند. یکی از مهمترین دستاوردهای جنبی این گفت‌وگوها می‌تواند منزّه شدن مرعبه سیاسی ایران از فرهنگ و رفتار سیاسی این جماعت باشد.

ادامه سر مقاله

یک رسانه منسوب به دولت قبل تیتّر زده که: «دستاوردهای خیالی مذاکرات یکی پس از دیگری هوامی نشود!» یک نماینده ۳۰ درصدی به مردم شکایت برده که: «ای ملت! بداندید مجلس هیچ اطلاع و خبری از مذاکرات ندارد.» وی نمی‌داند که مردم از اینکه نمایندگان ۳۰ درصدی از این مذاکرات کنار گذاشته و نامحرم دانسته شده‌اند خوشحال هستند چون امیدشان را به موفقیت گفت‌وگوها زیاد می‌کند. هم او نوشته که: «شنبه روز بدی بود. هنوزم هست. امروز بی شرف‌ها شرف را قربانی می‌کنند و ملت را هم؛ و تمام هفته خاکستری خواهد بود.» این حد از ضدیت با مردم و پر کردن خود از کینه و نفرت در سیاست بی سابقه است. کسی که با ۳۰ درصد رای مردم به مجلس برود بهتر از این نخواهد شد. نماینده چند درصدی دیگر ایراد بنی اسرائیلی گرفته و می‌گوید که: «تلاقی و سلام و علیک آقای عراقچی با نماینده آمریکا در مذاکرات دیروز عثمان، غیر ضروری، نادرست و غیرقابل توجیه است.» واقعاً عجیب است پذیرفتن ادب روند توافقی کنندان هم در موضوعی که بظاهر

گزارش یک